



حالا همان اتفاق‌ها در کلاس خودش در حال روی دادن است. کلاس گرم است و بچه‌ها کسل. **سعید** از تکرار روخوانی درس خسته شده است، **محمدجواد** حتی نمی‌داند کجاست و فقط ادای دنبال کردن خطوط را درمی‌آورد. **رضا** و **مهدی** از زیر میز به هم لگد می‌زنند و **امید** به آلوچه‌های توی کیفش فکر می‌کند. هر دودقیقه یک‌بار هم، یک‌نفر می‌آید و می‌گوید: «اجازه! برم آب بخورم؟» و البته آب خوردنش کمی بیشتر از حد معمول به طول می‌انجامد. به ساعت نگاه می‌کند، هنوز ۱۰ دقیقه به پایان زنگ مانده و بدترین اتفاق در کلاسش در حال رخ دادن است. اگر فکری نکنند به محض به صدا درآمدن زنگ، همین خسته‌های کسل با جیغ و هیاهو از کلاس بیرون می‌زنند و همه تصور خواهند کرد، گویا این کودکان در قفس بوده‌اند. راستی چرا بعضی وقت‌ها این‌طور می‌شود؟

چرا این چنین می‌شود؟

درصد بالایی از آموزگاران این وضعیت را در کلاسشان تجربه کرده‌اند، وقتی که یکی از عناصر ارتباط مؤثر با فراگیران دچار اختلال می‌شود. صاحب‌نظران معتقدند که ارتباط سه عنصر دارد: «فرستنده، پیام و گیرنده». به هرگونه اختلالی که موجب برهم‌خوردن روند این ارتباط می‌شود، پارازیت می‌گویند. پارازیت انواع گوناگونی دارد و ممکن است گریبان هر یک از عناصر اصلی ارتباط را بگیرد.

اگر فرستنده از نظر جسمی یا روانی شرایط مناسبی نداشته باشد، مانند داشتن لهجه، بیماری، اضطراب یا ناراحتی‌ها و مشکلات خانوادگی، یا از آمادگی لازم برای ارائه‌ی درس برخوردار نبوده و بدون طرح و برنامه‌ی قبلی وارد کلاس شود، نمی‌تواند پیام را به صورت مناسب منتقل کند. در خود فرورفتگی نیز یکی از شایع‌ترین نقص‌های فرستنده محسوب می‌شود، مانند زمانی که معلم به‌جای توجه به چشمان کودکان، محو تماشای هیبت معلمی خود در شیشه‌ی کمد کلاس است! ناآشنایی آموزگار با سطح درک و فهم گروه مخاطب و همچنین داشتن زمینه‌ی ذهنی نادرست در مورد فراگیران نیز از عوامل برهم‌زننده‌ی ارتباط هستند.

نقص در عنصر پیام هم بر روند پیام‌رسانی تأثیر می‌گذارد. پیام می‌بایست متناسب با سطح معلومات و ویژگی‌های سنی گروه مخاطب ارائه شود. استفاده از شیوه‌های شفاهی یا استفاده از کلمات خیلی پیچیده و جملات طولانی برای هیچ گروه سنی چندان تأثیرگذار نیست. مطلب ارائه شده نباید زیاد آسان یا سخت باشد. باید پیام با رعایت مراحل یادگیری مطالب، از دانسته‌های قبلی به طرف دانستنی‌های جدید

اجازه! برم آب بخورم؟

مرضیه معین

آموزگار پایه‌ی اول دبستان پسرانه سما، نجف‌آباد

آن چه رخ می‌دهد...

مشغول تدریس است. از سکوت و آرامش کلاس لذت می‌برد. غرق در رویاهایش، درس را می‌گوید و جلو می‌رود. بین نیمکت‌ها قدم می‌زند تا ببیند انگشت‌های بچه‌ها زیر کلمات هست یا نه. در کلاس را باز گذاشته است تا مدیریتش را به رخ همکاران بکشد. بچه‌ها با کسالت به کلمات نگاه می‌کنند. بعضی از بچه‌ها از تکرار و تمرین خسته شده‌اند. چشمان کوچک و مشکی **حسین** خیس آب است و پشت سر هم خمیازه می‌کشد. **محمدامین** می‌گوید: «اجازه! برم آب بخورم؟» عصبانی می‌شود. چرا این کودک نمی‌فهمد که الان، وسط درس دادن من نباید اجازه بگیرد؟ اما بی‌حوصله به او اجازه می‌دهد که برود. از **عرفان** می‌خواهد درس را روخوانی کند و خودش خسته‌تر از حسین روی صندلی می‌نشیند. در حال روخوانی، فکرش به سال‌های دور و به کلاس‌های تاریخ و جغرافیا باز می‌گردد. سر کلاس آن‌قدر خمیازه می‌کشید که گونه‌هایش درد می‌گرفت، یا زمان‌هایی که حاشیه‌ی کتاب شیمی‌اش پر بود از نقاشی‌های بی‌هدف، یا به برنامه‌هایی که ساعت‌های درس عربی با دوستانش رد و بدل می‌کرد و محض رضای خدا یک‌بار هم نشد که نامه‌ها لو برود!

خودنمایی، ضعف درسی، ضعف بینایی و شنوایی، مشکل بیان و در کلاس به ناهمگن بودن دانش آموزان اشاره کرد. نامساعد بودن بعضی از شرایط فیزیکی نیز می تواند کل فرآیند پیام را تحت الشعاع قرار دهد. عواملی مانند گرم و سرد بودن بیش از حد محیط، سر و صدا یا نور کم و زیاد و وجود محرک‌های قوی مانند حضور یک خرگوش در کلاس درس!

سوق داده شود. البته دقت لازم در این قسمت باید اعمال شود، چون تکیه‌ی بیش از اندازه در هر قسمت، موجب کم شدن دقت فراگیرندگان می‌شود. در صورتی که پیام دارای جملات طولانی و پیچیده باشد، ممکن است با سوءتعبیر از طرف گیرنده مواجه شود. از اختلالات موجود در گیرنده می‌توان به مشکلات روانی و شخصیتی از قبیل حواس‌پرتی، نگرانی و اضطراب، کم‌رویی و

کمبود کدام عنصر ارتباط در کلاس درس، باعث می‌شود که کودکان چنین مشتاقانه از کلاس بیرون بیایند؟



چه کنیم که این اتفاق‌ها نیفتد؟

برقراری ارتباط با دانش‌آموزان (به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی) با تقویت ارتباط و تمرکز فراگیرندگان همیشه نیاز به ابزارهای گران‌قیمت و وسایل نو و به روز ندارد. نیازی به خرج کردن هزینه‌های هنگفت برای کیفیت بخشی به روند آموزش نیست. هر آموزگار متبحری با استفاده از روش‌های خاص و ویژه‌ی خود می‌تواند بر انواع پارازیت‌ها غلبه کند.

✓ شرط اول برقراری ارتباط با فراگیرندگان این است که با ذهنی پاک درس را آغاز کنیم. شاید قبل از ورود به کلاس در ذهن خود شرایط را تصور کنیم. (چه بسیار اتفاق افتاده است که در موقع نبود یک آموزگار، یک نیروی جایگزین با تجربه‌ی کم توانسته است درس جدید را به شکل ماندگارتری ارائه بدهد؛ شاید با خود بگوییم **احمد** خیلی زود می‌فهمد، **امین** صبحانه نخورده و حوصله ندارد، **علی** زیاد در ریاضی فعال نیست، **رضا** باید بترسد تا گوش بدهد؛ این‌گونه خیال‌پردازی‌ها در ذهن باعث می‌شود که آموزگار نتواند به درستی درس را ارائه دهد.

توماس گوردون به بازدارنده‌های پلیدی اشاره می‌کند که بر فرآیند ارتباط تأثیر منفی می‌گذارد و اکثر آن‌ها در کلاس درس نیز صدق می‌کند. از جمله داشتن زمینه‌ی ذهنی نامناسب، برچسب زدن به فراگیرندگان، دستور دادن، تهدید کردن، ستایش همراه با ارزیابی (تو همیشه موفق می‌شوی)، پرسیدن سؤالات بسته و نامناسب و بحث منطقی را می‌توان عنوان کرد.

✓ در گام بعدی آموزگار باید بداند که برای آن ساعت از کار خود چه برنامه‌ای دارند. اصلاً صحیح نیست که یک آموزگار با تجربه بر این تفکر باشد که چون مثلاً مبحث جمع‌های با انتقال را نه سال است که تدریس می‌کند، نیازی به طرح درس جدید نیست. آموزگار باید بداند که همه چیز نسبت به سال قبل تغییر کرده است (دانش‌آموزان، شرایط روحی شخص خودش، محیط کلاس) و چون همه چیز تغییر کرده است پس روش تدریس نیز ناگزیر باید تغییر کند. پس برای تدریس ساده‌ترین موضوع در کلاس نیز نیاز به طرح درس است. این طرح درس لازم نیست که حتماً به صورت مدون و نوشته شده باشد. بلکه طرح درس می‌تواند به صورت یک برنامه‌ی ذهنی ساده مبتنی بر یک روش تدریس جدید باشد. که شرط آن به‌روز بودن اطلاعات آموزگار و آشنایی وی با انواع وسایل کمک آموزشی است. هرچه آموزگار ترفندهای بیشتری در امر تدریس بداند، می‌تواند با توجه به شرایط و امکانات از شیوه‌های متنوع‌تری کمک بگیرد.

✓ رفتار مناسب معلم نیز ارتباط را تقویت می‌کند. معلم باید مهربان، منعطف و صمیمی باشد و در کلاس جو اعتماد متقابل برقرار شود، اما این جو نباید به گونه‌ای حاکم شود که قاطعیت و مدیریت

کلاس از دست معلم بیرون برود.

✓ آموزگار توانا می‌داند که در کلاس درس می‌تواند با پایین آوردن ناگهانی صدا یا بالا بردن آن، (به‌گونه‌ای که حالت داد کشیدن نباشد) یا تغییر صدا و صحبت کردن با زبان اجزا و عناصر درس، بدون صرف هیچ هزینه‌ای حالت تعاملی به کلاس درس ببخشد. همچنین توقف ناگهانی روند تدریس، افزایش سرعت در خواندن، استفاده از شوخی‌های کوچک کلامی، مثال زدن‌های دوستانه و غیرمغرضانه، فراگیرندگان را به شرکت در فعالیت‌های کلاس مشتاق کند. همچنین می‌تواند با استفاده از کلمات آهنگین، شعرهای خود ساخته و حرکات جذاب بدنی مثل بالا و پایین بردن ناگهانی دست، سر و...، توجه فراگیرندگان را به خود جلب کند. تبدیل محتوای درسی به شعر یا داستان‌های گوناگون، جان بخشیدن به عناصر درسی غیر جان‌دار مثل جان بخشیدن به خط کسری یا علامت مساوی، بازی با کلمات و وارونه خوانی و سؤال پراکنی و ایجاد سؤال در ذهن فراگیران؛ مغز فراگیرنده را امر آموزش درگیر کند.

✓ استفاده از انواع وسایل کمک آموزشی یا کمک درسی (کیت‌های درسی یا ابزار ساخته شده از ساده‌ترین ابزار مانند نی، پارچه و...)، نیز فرآیند یادگیری و یاددهی را تسهیل و پارازیت‌های موجود در کلاس درس را کم می‌کند.

✓ همچنین برای کنترل هرچه بهتر و مدیریت هرچه بیشتر افکار در کلاس درس، چیدمان و نحوه‌ی آرایش کلاس نیز اهمیت زیادی دارد. چنان‌که در دبستان باید کلاس‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که امکان تبدیل فضا برای استفاده‌ی گروهی یا فردی فراهم باشد. تا هنگامی که آموزگار ملزم به توضیح است، صندلی‌ها به صورتی در بیایند که همه به یک اندازه به آموزگار دسترسی داشته باشند.

✓ استفاده از گونه‌های متنوع ابزار در ارزش‌یابی توصیفی (حتی در کلاس‌ها با رویکرد کیفی) نیز در جان بخشیدن به ارتباطات در کلاس درس مفید و مؤثر به نظر می‌رسد. استفاده از انواع تکالیف بسطی، خلاقیتی و نمونه‌ی کار یا استفاده از آزمون‌های عملکردی گروهی و فردی و نیز استفاده از شیوه‌های خودسنجی و هم‌سال‌سنجی به پویایی کلاس کمک وافری می‌کند.

✓ استفاده از یادگیری مشارکتی نیز کلاس را از روند ناهم‌گنی نجات می‌بخشد و با تزریق اعتماد به نفس و پرورش حس مسؤولیت‌پذیری و همکاری، یک کلاس ساکت و بی‌انگیزه را به یک کلاس با سر و صدای ثابت، بانگیزه و پویا تبدیل می‌کند.

منابع

1. <http://socialgorup.blogfa.com>
2. <http://enkeshaf.persianblog.ir>
3. www.gafa1384.blogfa.com
4. www.daneshgar-reza.blogfa.com